



نکته و تست ادبیات و زبان فارسی - دکتر هامون سبیطی - تناسب مفهومی

۱ - بیت «بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود / پسته‌ی بی‌مغز چون لب واکند رسوا شود» با کدام یک از ابیات زیر تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) با این که سخن به لطف آب است / کم گفتن هر سخن صواب است
- ۲) کم گوی و به جز مصلحت خویش مگو / چیزی که نپرسند تو از پیش مگو
- ۳) تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد
- ۴) چو خواهی که گویی نفس بر نفس / نخواهی شنیدن مگر گفت کس

۲ - مصراع «هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن» با کدام گزینه تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) با من هزار نوبت اگر دشمنی کنی / ای دوست، هم‌چنان دل من مهربان توست
- ۲) هزار زخم پیاپی گر اتفاق افتد / ز دست دوست، نشاید که انتقام کنند
- ۳) هزار سال پس از مرگ من چو بازآیی / ز خاک نعره برآرم که مرحبا ای دوست
- ۴) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک / گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

۳ - مفهوم کدام بیت عبارت «هرگز در این جهان چیزی ندیده‌ام که حتی اندکی زیبا باشد؛ مگر آن که فوراً آرزو کرده‌ام تا همه‌ی مهر من آن را در برگیرد.» را نقض می‌کند؟ (سراسری ۸۶)

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) چون نیست هیچ‌کس که به فریاد من رسد | خود رقص می‌کنم چو سپند از نوای خویش |
| ۲) گل آن‌چنان فریفته‌ی حسن خود شده است | کز شب‌بنم است آینه دایم برابرش |
| ۳) تمیز نیک و بد روزگار، کار تو نیست | چو چشم آینه، در خوب و زشت، حیران باش |
| ۴) ز خارزار تعلق، کشیده دامان باش | به هر چه می‌کشدت دل، از آن گریزان باش |

۴ - «تو کی دانی که لیلی چون نکویی است / کزو چشمت همین بر زلف و رویی است» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟ (سراسری ۹۲)

- ۱) محو یکتایی نقاش نگردید کسی / همه چون آینه بر نقش پراکنده زدند
- ۲) عاقلانی که ز زنجیر تو سر وا زده‌اند / غافلانند که بر دولت خود پا زده‌اند
- ۳) نیست مژگان که به تقصیر پریشان نظری / مشت خاری است به چشم من بیننده زدند
- ۴) شکوه از بخت نکردند سبک رفتاران / در دل ابر سیه برق صفت خنده زدند

۵ - مفهوم عبارت: «به سرش ندا آمد که بایزید، هنوز تویی تو همراه توست، اگر خواهی که به ما رسی، خود را بر در بگذار و در آی.» با همه‌ی ابیات به استثنای بیت تناسب دارد. (سراسری ۹۱)

- ۱) نشود تا دلت از قید علایق آزاد / نتوان جلوه‌ی آن سرو خرامان دیدن
 - ۲) جان تو را باید و باید غم تن چند خوری / بگذر از تن اگر هست سر جان دیدن
 - ۳) ای که داری هوس طلعت جانان دیدن / نیست باید شدنت وانگهش آسان دیدن
 - ۴) آن جمالی که فروغش کمر کوه شکست / کی توان از نظر موسی عمران دیدن
- ۶ - ضرب‌المثل «كُلُّ اِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟ (سراسری ۸۵)

- ۱) من مُجْرِمِ مَحَبَّت و دوزخ فراق یار / و آه درون به صدق مقالِم (گفتار) دلالت است
- ۲) آمد بهار و خاطر من شد ملول تر / زیرا که باغ بی‌تو محلّ ملالت است
- ۳) گفتم که با تو صورت حالی بیان کنم / دردا که حال عشق برون از مخالفت است
- ۴) گیرم به خون دیده نویسم رساله را / کس را در آن حریم چه حدّ رسالت است



۷- مضمون بیت «گفتیم عشق را به صبوری دوا کنیم / هر روز عشق بیشتر و صبر کم تر است» به کدام گزینه نزدیک تر است؟

- ۱) چنانست دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد / تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
- ۲) زخمِ شمشیرِ غمت را به شکیبایی و عقل / چند مرهم بنهادیم و اثر می‌نرود
- ۳) این دردها که بر دل خاقانی آمده‌است / یک‌یک نگر که بهر دوا می‌فرستمت
- ۴) بیزارم از وفای تو یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم

۸- عبارت مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشید» با مفهوم کدام

بیت نامتناسب است؟ (سراسری ۸۴)

- ۱) دور از تو ستونِ خانه‌ی غم شده‌ام / بارغمِ عالم همه بر دوش من است
- ۲) آسمان سست پی، مردِ شکوه عشق نیست / رخس می‌باید که رستم را به میدان آورد
- ۳) آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند
- ۴) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

۹- مفهوم کلی عبارت زیر، در کدام بیت آمده‌است؟ (سراسری ۸۴)

«منطق الطیر داستان پرندگانی است که به قصد زیارت سیمرغ سرزمین خویش را ترک می‌کنند و پس از عبور از هفت مرحله‌ی

دشوار تنها «سی مرغ» از آن‌ها به مقصد می‌رسند.

- ۱) شود آسان ز عشق کاری چند / که بود نزد عقل بس دشوار
 - ۲) مرا می‌پرس که چونی، به هر صفت که تو خواهی / مرا مگو که چه نامی، به هر لقب که تو خوانی
 - ۳) صورت من همه او شد صفت من همه او / لاجرم کس من و من نشنود اندر سخنم
 - ۴) سعدیا هر که ندارد سر جان افشانی / مرد آن نیست که در حلقه‌ی عشاق آید
- ۱۰- بیت «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟ (سراسری ۹۲)

- ۱) عاشقان را شکوه‌ای از سختی آیام نیست / مهره‌ی موم است کوه بیستون فرهاد را
- ۲) فلک را مترسان به آه دروغین / که از تیر کج نیست پروا نشان را
- ۳) می‌کند پامال، تن آخر دل آسوده را / می‌شود دامن کفن این پای خواب‌آلوده را
- ۴) از خرابی می‌شود دل صاحب گنج هنر / نیست معماری به از ویرانی این بنیاد را

۱۱- کدام گزینه با بیت «حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) آتش عشق است کاندر نی فتاد / جوشش عشق است کاندر می فتاد
- ۲) در ازل داده‌است ما را ساقی لعل لب / جرعه‌ی جامی که من مدهوش آن جامم هنوز
- ۳) ناامیدم مکن از سابقه‌ی لطف ازل / تو چه دانی که پس پرده که خوب است و که زشت
- ۴) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت / که یکدم از تو نظر بر نمی‌توان انداخت

۱۲- مفهوم عبارت «از بحران‌های عصبی‌ای که امروز رایج است، در آن زمان خبری نبود. هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه‌ی ایمان

وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.» به کدام بیت زیر نزدیک تر است؟

- ۱) نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر / هر آن چه ناصح مشفق بگویدت بپذیر
- ۲) بر آن سرم که نوشم می و گنه نکنم / اگر موافق تدبیر من شود تقدیر
- ۳) چو قسمت ازلی بی‌حضور ما کردند / گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر
- ۴) حدیث توبه در این بزمگه مگو حافظ / که ساقیان کمان ابرویت زنده به تیر

۱۳- کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک است؟

«نبینی که گربه چو عاجز شود / به پنجه برآرد دو چشم پلنگ»

- ۱) حضور کاوه در داستان ضحاک، اندک مدت است اما نظیر فروزش صاعقه است که هرچند کوتاه درخشید خرمن تباهی و ظلم را سوزاند.
- ۲) کاوه از ستم‌ها و پادشاهی ضحاک آشکارا شکایت می‌کرد و از خشم و کيفر او بیم به دل راه نمی‌داد. به قول سعدی «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید».
- ۳) خروش کاوه یعنی ندای حق، زبان ناحق را گنگ کرده‌بود اما مردم رنج‌کشیده و ستم‌دیده را به خروش آورد.
- ۴) ضحاک به کيفر کارهای خود گرفتار بود، هرچه بیشتر مردم را از میان می‌برد بیشتر در لجه‌ی بدنامی همگان فرو می‌رفت.



۱۴ - در کدام گزینه مرجع ضمیر «این» درست و دقیق مشخص نشده است؟

- ۱) بگفت از صبر کردن کس خجل نیست / بگفت این دل تواند کرد، دل نیست (این ← صبر کردن)
- ۲) بگفتا جان فروشی در ادب نیست / بگفت از عشق بازان این عجب نیست (این ← جان فروشی)
- ۳) بگفتا گر بخواهد هرچه داری / بگفت این از خدا خواهم به زاری (این ← هرچه دارم)
- ۴) بگفت او آن من شد، زو مکن یاد / بگفت این کی کند بیچاره فرهاد (این ← یاد نکردن)

۱۵ - معنای این عبارت در مورد «منصور حلاج» چیست؟ «در زی اهل صلاح و شرع و سنت بود که این سخن از وی پیدا شد.»

- ۱) در لباس علمای دین به شرح مسائل شرعی می پرداخت.
- ۲) جزو مصلحت اندیشان و عالمان دینی بود که جملهی «انا الحق» را بر زبان آورد.
- ۳) به یاری و پشتیبانی اهل سنت، می توانست این سخن را بر زبان آورد.
- ۴) هنگامی که جملهی «انا الحق» را بر زبان آورد، می دانست که علما و متشرعان را ناخشنود می کند.

۱۶ - در عبارت «حسین یک سال به تئستر بود. قبولی عظیم او را پیدا گشت - و او سخن اهل زمانه را هیچ وزن نهدادی - تا او را

حسد کردند و عمرو بن عثمان مکی در باب او نامه ها نوشت به خوزستان و احوال او در چشم آن قوم قبیح گردانید و او را نیز از آن جا دل بگرفت و جامه‌ی متصوفه بیرون کرد و قبا در پوشید و به صحبت ابنای دنیا مشغول شد - اما او را از آن تفاوت نبود - و پنج سال ناپدید گشت.» کدام جمله درست معنی شده است؟

- ۱) قبولی عظیم او را پیدا گشت: بسیاری از مسائل را پذیرفت.
- ۲) احوال او در چشم آن قوم قبیح گردانید: کارهای او را نزد آن گروه، زشت جلوه داد.
- ۳) به صحبت ابنای دنیا مشغول شد: به هم نشینی با کودکان پرداخت.
- ۴) اما او را از آن تفاوت نبود: ولی آن کارها باعث نگرانی او نشد.

۱۷ - با توجه به عبارت «مریدان گفتند: چه گویی در ما که مریدیم و آن‌ها که منکران اند و تو را سنگ خواهند زد؟ حلاج گفت:

ایشان را دو ثواب است و شما را یکی، از آن که شما را به من حسن الظنّی بیش نیست و ایشان از قوت توحید و صلابت شریعت می جنبند و توحید در شرع اصل بود و حسن الظنّ، فرع» پاسخ حلاج مبتنی بر کدام دیدگاه دینی است؟

- ۱) ارزش اعمال به نیت آن‌هاست.
- ۲) حق الناس مهم تر است از حق الله.
- ۳) آن چه بر خود نمی پسندیم نباید بر دیگران پسندیم.
- ۴) نزد خداوند آن که با تقواتر گرامی تر.

۱۸ - با توجه به عقاید گذشتگان درباره‌ی ستارگان، کدام واژه کامل کننده‌ی این بیت است؟

«گرم به گوشه‌ی چشمی شکسته وار ببینی / فلک شوم به بزرگی و مشتری به ...»

- ۱) سعادت
- ۲) بلندی
- ۳) شجاعت
- ۴) تعالی

۱۹ - این سخن امام علی (ع) که «از نشانه‌های پرهیزگاران این است که پیوسته نفس خود را متهم می دارند»، با کدام گزینه تناسب

مفهومی ندارد؟

- ۱) هر چند نگاه کردم هیچ کس را بدتر از خود ندیدم.
- ۲) کسی که مستوجب آتش بود به خاکستر بازو قناعت کنند، بسیار شکر واجب آید.
- ۳) این گمان در حق خویش برم، بهتر. دستار در گردن خویش انداخت.
- ۴) مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و بر خیزد و بخرد و بفروشد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.

۲۰ - پیام عبارت زیر، به پیام کدام گزینه نزدیک تر است؟

«شیخ گفت: نباید، ما را بهشت نباید با مستی لنگ و لوک و درویش. ما را در دروزخ باید، جمشید درو و فرعون درو و خواجه

درو»

- ۱) یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض / پادشاهی کامران بود از گدایی عار داشت
- ۲) حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم / جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم
- ۳) گر طمع داری که صائب، از خدایینان شوی / خودپسند و خودنما و خودسر و خودبین مباش
- ۴) از قضا آینه‌ی چینی شکست / خوب شد، اسباب خودبینی شکست



۲۱ - مفهوم کدام دو جمله یکسان است؟

- (آ) مثل علم یزید می‌مانی.
 (ب) مگر این جا دسته‌ی هفت صندوقی آوردند؟
 (پ) چرا مثل قوآل‌ها صورت تک زدی؟
 (ت) می‌خواهی بروی آسمان شورا بیاوری؟
 (ث) پیش همه بور شده‌ای.

(۱) ب و ت (۲) ب و ث (۳) آ و ب (۴) آ و ت

۲۲ - از عبارت «مدرسه‌ی ما، مدرسه‌ی بچه اعیان‌ها در محله‌ی لات‌ها جا داشت. لذا دوره‌ی متوسطه‌اش شاگرد زیادی نداشت، مثل حاصل سن زده، سال به سال شاگردانش درمی‌رفتند و تهیه‌ی نان سنگک را بر خواندن تاریخ و ادبیات رجحان می‌دادند.» کدام گزینه برداشت می‌شود؟

- (۱) فقر دانش‌آموزان مدرسه
 (۲) تنبلی و کاهلی دانش‌آموزان مدرسه
 (۳) جذاب نبودن مطالب کتاب‌های درسی در آن زمان
 (۴) جمع نشدن علم و ثروت با یکدیگر

۲۳ - در این بخش از شعر «خوان هشتم» شاعر بر کدام ویژگی شعر خود تأکید دارد؟

«قصه است این، قصه، آری قصه‌ی درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ همچون پوچ عالی نیست»

- (۱) نوگرایی و فاصله داشتن از شعر گذشتگان
 (۲) داشتن تعهد و رسالت اجتماعی
 (۳) زیبایی و منحصر به فرد بودن
 (۴) یأس آمیزی و پوچ گرایی

۲۴ - مفهوم این بخش از شعر «می‌تراود مهتاب»، به مفهوم کدام گزینه نزدیک تر است؟

«دست‌ها می‌سایم / تا دری بگشایم / برعبث می‌پایم / که به در کس آید»

- (۱) چه چشم پاسخ است از این دریچه‌های بسته‌ات
 (۲) دل خراب من دگر خراب‌تر نمی‌شود
 (۳) در این سرای بی‌کسی، کسی به در نمی‌زند
 (۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست

۲۵ - بیت «برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار» به مفهوم کدام گزینه نزدیک تر است؟

- (۱) من نماز را وقتی می‌خوانم که اذانش را باد گفته باشد سر گل‌دسته‌ی سرو / من نماز را پی تکبیره الاحرام علف می‌خوانم
 (۲) و خدایی که در این نزدیک است / لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند
 (۳) گل شبدر چه کم از لاله‌ی قرمز دارد؟ / چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید
 (۴) جهان، قرآن مصور است / و آیه‌ها در آن / به جای آن که بنشینند، ایستاده‌اند

۲۶ - مضمون این بخش از شعر «پشت دریاها» در کدام مصراع از شعر «صدای پای آب» تکرار شده است؟

«مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند / که به یک شعله، به یک خواب لطیف»

- (۱) سنگ از پشت نمازم پیداست
 (۲) گل شبدر چه کم از لاله‌ی قرمز دارد؟
 (۳) من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم
 (۴) خوب می‌دانم، حوض نقاشی من بی‌ماهی است

۲۷ - «اگر مقبول بود به رد خلق مردود نگردهد و اگر مردود بود، به قبول مقبول نگردهد.» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) عالم آن کس بود که بد نکند / نه بگوید به خلق و خود نکند
 (۲) هر سو دود آن کش زبر خویش براند / و آن را بخواند به در کس ندواند
 (۳) متاب، ای پارسا، روی از گنهکار / ببخشایندگی در وی نظر کن
 (۴) به عذر و توبه توان رستن از عذاب خدای / ولیک می‌نتوان از زبان مردم رست

۲۸ - مفهوم: «به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» با کدام بیت متناسب

است؟ (سراسری، انسانی ۹۱)

- (۱) برو ای زاهد و بر درد کشان خرده مگیر / که ندادند جز این تحفه به ما روز الست
 (۲) من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می / زاهدان معذور داریم که اینم مذهب است
 (۳) خون خورده‌ام نه باده که زهرم نصیب باد / دور از لب تو چون می‌بی‌غش گرفته‌ام
 (۴) در شب قدر از صبحی کرده‌ام عیبم مکن / سر خوش آمد یار و جامی برکنار طاق بود



۲۹- در عبارت «هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. باز بخواند، باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.»، مرجع کدام یک از ضمایر زیر، «بندهی گنهکار» است؟

- (۱) «ش» در «بازش بخواند»
 (۲) شناسه‌ی فعل در «بازش بخواند»
 (۳) «ش» در «بار دیگرش بخواند»
 (۴) شناسه‌ی فعل در «باز اعراض کند»

۳۰- با توجه به شناختی که از «رزم رستم و اسفندیار دارید»، کدام بیت نشان‌دهنده‌ی عدم تمایل رستم برای رویارویی با اسفندیار نیست.

- (۱) که چندین بییچم که اسفندیار / مگر سر بییچاند از کارزار
 (۲) بگو تا سوار آورم زابلی / که باشند با خنجر کابلی
 (۳) بیامد چنان تا لب هیرمند / همه دل پر از باد و لب پر ز پند
 (۴) نهادند پیمان دو جنگی که کس / نباشد بر آن جنگ فریادرس

۳۱- کدام بیت، سخنی از زبان «اسفندیار» برای تحقیر «رستم» است؟

- (۱) من امروز، نز بهر جنگ آمدم / پی پوزش و نام‌وننگ آمدم
 (۲) تو را گر همی یار باید بیار / مرا یار هرگز نیاید به کار
 (۳) بگو تا سوار آورم زابلی / که باشند با خنجر کابلی
 (۴) بباشد به کام تو خون ریختن / ببینی تگاپوی و آویختن

۳۲- کدام گزینه در مورد داستان «گل‌دسته‌ها و فلک» درست نیست؟

- (۱) دارای لحنی صمیمی و کودکانه است.
 (۲) «زاویه‌ی دید» آن شجاعت برای رسیدن به حقیقت است.
 (۳) از زیبایی‌های این داستان، شروع بی‌مقدمه‌ی آن است.
 (۴) می‌توان برای این داستان جنبه‌ی نمادین در نظر گرفت

۳۳- در بیت «پادشه پاسبان درویش است / گرچه رامش به فرّ دولت اوست» مرجع ضمیر «او» کدام است؟

- (۱) درویش (۲) پاسبان (۳) پادشه (۴) رامش

۳۴- در بیت «خاک سیاه بر سر او کز دم تو تازه نشد / یا همگی رنگ شود، یا همه آوازه شود»، منظور از «رنگ شدن» چیست؟

- (۱) باطراوت شدن (۲) شادمان شدن (۳) اسیرِ ظواهر شدن (۴) فریبکار شدن

۳۵- کدام گزینه درست معنا نشده است؟

- (۱) تا این عارضه افتاده بود: وقتی این حادثه پیش آمد.
 (۲) در این دو سه روز بار داده‌اید: ظرف دو سه روز آینده اجازه‌ی ملاقات داده‌می‌شود.
 (۳) نگویم که مرا سخت دربايست نیست: نمی‌گویم که [به آن‌ها] شدیداً نیاز ندارم.
 (۴) در عهده‌ی این نشوم: مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم.

۳۶- با توجه به عبارت زیر از تاریخ بیهقی، چرا «پسر قاضی بست» از پذیرفتن هدیه‌ی سلطان خودداری می‌کند؟

«بونصر پسرش را گفت: تو از آن خویش بستان.

گفت: زندگانی خواجه عمید دراز باد. علی ای حال، من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام و اگر وی را یک روز دیده‌بودمی و احوال و عادات وی بدانسته، واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردمی. پس، چه جای آن که سال‌ها دیده‌ام ...»

- (۱) چون نمی‌خواست پس از سال‌ها اطاعت پدر، یک‌باره بر خلاف میل او عمل کند.
 (۲) چون باید سال‌های بسیاری را در کنار پدر می‌گذراند و نمی‌خواست پدرش از او ناراضی شود.
 (۳) چون راه و روش پدرش را کاملاً قبول داشت.
 (۴) چون از آن هدیه سهمی برای خود قائل نبود.



۳۷ - عبارت «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.» نمونه‌ی است از در تاریخ بیهقی.

- (۱) ایجاد پیوند و ارتباط منطقی میان وقایع نه‌چندان مربوط به هم
- (۲) نمایش برخورد اشخاص در برابر هم
- (۳) منظره‌سازی و بیان همه‌ی عناصر اصلی و فرعی ماجرا
- (۴) رعایت ایجاز و خلاصه‌گویی

۳۸ - مضمون مقابل بیت «سعدی ز فراق تو نه آن رنج کشیده‌است / کز شادی وصل تو فراموش کند آن را» در کدام بیت آمده‌است؟

- (۱) اگر یک روز با دلبر خوری نوش / کنی تیمار صدساله فراموش
- (۲) چه خوش روزی بود روز جدایی / اگر با وی نباشد بی‌وفایی
- (۳) سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل / بیرون نمی‌توان کرد آلا به روزگاران
- (۴) ما سیه‌گلیمان را جز بلا نمی‌شاید / بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی

۳۹ - مفهوم کدام بیت به مضمون عبارت زیر از درس «بخوان! ...» نزدیک است؟

«عربی که آهسته محمّد را دنبال کرده‌بود، یک‌مرتبه بر خود لرزید و به عجله رفت. نفوذ معنوی این رفیق تنهایی طوری بود که اجازه نمی‌داد کسی در محیط ملکوتی او وارد شود.»

- (۱) روی از خدا به هرچه کنی شرک خالص است / توحید محض کز همه رو در خدا کنیم
- (۲) نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت / به غمزه مسئله‌آموز صد مدرّس شد
- (۳) هر که با یار آشنا شد گو ز خود بیگانه باش / تکیه بر هستی مکن در نیستی مردانه باش
- (۴) مدّعی خواست که آید به تماشاگاه راز / دست غیب آمد و بر سینه‌ی نامحرم زد

۴۰ - در مصراع «تویی که در سفر عشق خطّ پایانی»، منظور از «سفر عشق» چیست؟

- (۱) سیر آرمان‌ها و آرزوها
- (۲) خطّ انبیا و اولیا
- (۳) معراج پیامبر
- (۴) شهادت

۴۱ - طنز تمسخر آمیزی که در عبارت زیر نهفته است در کدام بیت دیده می‌شود؟

پس از عزیمت رضا شاه - که قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد - همه‌ی تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و عشیره بازگشتند و به ثروت از دست‌رفته و شوکت گذشته‌ی خود دست یافتند.

- (۱) خرم آن روز کزین منزل ویران بروم / راحت جان طلبم وز بی جانان بروم
- (۲) شهر یاران بود و خاک مهربانان این دیار / مهربانی کی سرآمد شه‌یاران را چه شد
- (۳) باز ارچه گاهگاهی بر سر نهد کلاهی / مرغان قاف دانند آیین پادشاهی
- (۴) مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک / دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

۴۲ - از همه‌ی گزینه‌های زیر، به‌جز مفهوم یکسانی برداشت می‌شود.

- (۱) تا به جایی رسی که می‌نرسد / پای اوهام و پایه‌ی افکار
- (۲) تا به جایی رساندت که یکی / از جهان و جهانیان بینی
- (۳) که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو
- (۴) رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند / بنگر که تا چه حدّ است مکان آدمیت

۴۳ - بیت «همچو نرگس بگشا چشم و ببین کاندرا خاک / چند روی چو گل و قامت چون شمشاد است» تأکید دارد بر:

- (۱) ناپایداری زندگی دنیایی
- (۲) توجه به زیبایی‌های طبیعت در بهار
- (۳) دقت به اصل و ذات پدیده‌ها
- (۴) زیبایی روح پنهان در کالبد خاکی

۴۴ - مفهوم کدام گزینه با بیت «عالم همه دیدم که به جز اسم و صفت نیست / نیکو نگرستم همه را ذات، تو بودی» متناسب است؟

- (۱) تا به جایی رساندت که یکی / از جهان و جهانیان بینی
- (۲) آن‌چه نشنیده گوشت آن شنوی / و آن‌چه نادیده چشمت آن بینی
- (۳) آن که گویند که بر آب نهاده‌ست جهان / مشنوی ای خواجه که تا درنگری بر باد است
- (۴) گرت آینه‌ای باید که نور حق در او بینی / نبینی در همه عالم مگر سیمای درویشان



۴۵ - بیت: «آب چه دانست که او گوهر گوینده شود / خاک چه دانست که او غمزه‌ی غمّازه شود؟» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) تا در این آب و گلی کار کلوخ اندازی است / گفت و گو جمله کلوخ است و یقین دل شکن است
- (۲) همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست / از سر کوی تو زان رو که عظیم افتاده است
- (۳) چو گه خدمت شه آید من می‌دانم / گر ز آب و گل ای دوست، نیم پای به گل
- (۴) این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند / وین روح بین که در تن آدم تنیده‌اند

۴۶ - مفهوم مقابل عبارت زیر از گلستان سعدی در کدام گزینه آمده است؟
«فقیه‌ی پدر را گفت هیچ از این سخنان رنگین دلاویز متکلمان در من اثر نمی‌کند به حکم آن که نمی‌بینم مر ایشان را فعلی موافق گفتار.»

- (۱) ترک دنیا به مردم آموزند / خویشتن سیم و غله اندوزند
- (۲) عالمی را که گفت باشد و بس / هر چه گوید نگیرد اندر کس
- (۳) عالم آن کس بود که بد نکند / نه بگوید به خلق و خود نکند
- (۴) گفت عالم به گوش جان بشنو / ورنه نماند به گفتنش کردار

۴۷ - مفهوم مقابل بیت «بوریاباف اگر چه بافنده است / نبرندش به کارگاه حریر» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) کارهای بزرگ به مردم خرد فرمودم.
- (۲) مردم بزرگ از کارهای خرد عار داشتند و در پی نرفتند.
- (۳) کارهای خرد به مردم بزرگ فرمودم.
- (۴) نقصان به ملک رسید و کار لشکری و کشوری روی به فساد آورد

۴۸ - در هم‌هی بیت‌ها، به جز بیت گزین‌هی هدف شاعر از به‌کاربردن واژه‌ی مشخص شده، اشاره به رنگ آن واژه بوده است.

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) به گرز گران دست برد اشکبوس | زمین آهنین شد، سپهر آبنوس |
| (۲) کمان را به زه کرد زود اشکبوس | تنی لرز لرزان و رخ سندروس |
| (۳) بلبلکان با نشاط، قمریکان با خروش | در دهن لاله مشک، در دهن نحل نوش |
| (۴) به دو چشم خون‌فشانم، هله ای نسیم رحمت | که ز کوی او غباری به من آر توتیا را |

۴۹ - تصویر موجود در بیت «چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه پولاد گشت» به تصویر آفریده‌شده در کدام بیت زیر نزدیک است؟

- | | |
|-------------------------------|--------------------------|
| (۱) سوی رستم آمد چو کوهی سیاه | ز آهنش ساعد، ز آهن کلاه |
| (۲) شود کوه آهن چو دریای آب | اگر بشنود نام افراسیاب |
| (۳) ندانند کان اژدهای دژم | همی کوه آهن گدازد به دم |
| (۴) دو کشور بدین آشتی شاد گشت | دل شاه چون تیغ پولاد گشت |

۵۰ - مفهوم مصراع «آیا تاریخ به تحیر، بر در سرای، خشک و لرزان نمانده بود؟» در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) این موضوع در تاریخ بی‌سابقه بود. | (۲) در آن لحظه زمان از حرکت باز ایستاد. |
| (۳) همه‌ی مردم روزگار، از آن واقعه متحیر شدند. | (۴) کسی تحمل دیدن چنان صحنه‌ای را نداشت |

۵۱ - قسمت مشخص شده در کدام عبارت، درست معنی شده است؟

- (۱) از زندان، موی بالیده و جامه‌ی شوخکن و عالمی اندوه و خجلت توان آورد: موی بلند و لباس چرکین می‌توان آورد.
- (۲) زاهدان با سگ، بازی نکنند و دست و جامه‌ی خود را از آسیب او صیانت واجب بینند: دست و لباس خود را از گزند آن حفظ می‌کنند.
- (۳) هر کس اضافه واجب می‌خواهد، تومنی هفت هزار به خود شاه پیشکش کند. دیگر به احدی تعارف ندهد: پس از این با هیچ‌کس رودبایستی نکند.
- (۴) اندر آن مسجد، کودکان به کتاب بودند و وقت نان خوردن کودکان بود: کودکان در حضور نویسندگان بودند.



۵۲ - در کدام بیت، شاعر از عدم ثبات رای می‌نالند؟ (آزمون سراسری)

- ۱) عیب پوشی سهل باشد عیب نادیدن خوش است / چشم من روشن که دایم صاحب این دیده‌ام
- ۲) سر تا به قدم جمله هنر دارد و خوبی / عیبش همه آن است که با بنده نسازد
- ۳) طالب نکند سیر مقامی مگر از عرش / طبعی که بلند آمد پستی نشناسد
- ۴) هر چه در وصف تو گویند به نیکویی هست / عیب آن است که هر روز به طبعی دگری

۵۳ - مفهوم کدام بیت بیان کننده استغناست؟ (آزمون سراسری)

- ۱) بیش از دو دست شخص به خواهش دراز نیست / من این دو دست را ز دو دنیا کشیده‌ام
- ۲) ای زده برتر از گمان خیمه‌ی کبریای را / دست به تو کجا رسد عقل شکسته پای را
- ۳) کس چون غم زلیخا یوسف ندیده داند / دست بریده حالش دست بریده داند
- ۴) در عشق صلاحی نبود جمله فساد است / دستی به دل مصلحت اندیش گذارید

۵۴ - ضرب‌المثل «فواره چون بلند شود سرنگون شود.» با مفهوم کدام بیت منطبق است؟ (آزمون سراسری)

- ۱) به مرگ محتسب کم خور دلا غم / به مقدار مصیبت جامه زن چاک
- ۲) پیش اهل کمال نقصان است / شاد و غمگین ز بیش و کم بودن
- ۳) منتهای کمال نقصان است / گل بریزد به وقت سیرابی
- ۴) به کم خوردن کسی را تب نگیرد / ز پر خوردن به روزی صد بمیرد

۵۵ - مفهوم مقابل بیت «گر دایره‌ی کوزه ز گوهر سازند / از کوزه همان برون تراود که در اوست» در کدام بیت آمده‌است؟

- ۱) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
- ۲) گر درونت بد است گفتت بد / ور درون تو خوب گفتت خوب
- ۳) باطنش همچو پشت آینه بود / ظاهر هر که صاف تر دیدم
- ۴) از قضا آینه‌ی چینی شکست / خوب شد آسیاب خودبینی شکست

۵۶ - برای کامل کردن بیت‌های زیر از کدام واژه‌ها به ترتیب، باید استفاده کرد؟

«هر کاو فرقت روزی باشد / داند که سخت باشد قطع امیدواران
با ساربان بگویند آب چشمم / تا بر شتر نبندد محمل به روز باران
چندت کنم حکایت، شرح این قدر کفایت / باقی نمی‌توان گفت الا به»

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱) کتاب - بخوانده - افکار - روزگاران | ۲) شراب - چشیده - احوال - غمگساران |
| ۳) سرای - بدیده - درمان - ساربانان | ۴) به پای - نشسته - در بند - روزه‌داران |